

تک‌نگاری یک روزنامه:

«دانش»

اولین روزنامه فارسی زبان برای زنان ایرانی

به: مادرانمان، این کوشندگان صبور و
بی‌نظاهر در راه تربیت زن متجدد ایرانی

اول - پیشگفتار

در تابستان ۱۳۷۲ در یکی از دیدارهایم با آقای صادق چوبک، خانم قدسی چوبک همسر ایشان، دوره‌ای از یک روزنامه کهن را به من ارائه دادند که درباره آن تا آن روز فقط نامی و شرح مختصری خوانده بودم!

خانم چوبک متذکر شدند که این دوره روزنامه از پدرشان مرحوم عباس معصوم برای ایشان به یادگار مانده است و ناشر این روزنامه - خانم دکتر کحال - مادر بزرگ پدری ایشان بوده‌اند. ایشان همچنان متذکر شدند که خواهر کهنترشان خانم اقدس قائم‌مقامی نیز دوره‌ای دیگر از این روزنامه را در اختیاردارند.

تورق سی شماره روزنامه دانش مرا وادار کرد که تأمل بیشتری داشته باشم درباره نشریه‌ای که ۸۵ سال پیش از این، توسط بانویی برای زنان ایران منتشر می‌شده و مباحثی در آن می‌آمده که برای جامعه آن روز ایران اگر نه انقلابی و پیشرو، بل به اصطلاح همان زمان بسی متجدد و تازه بوده است.

پس از جست‌وجو و پرسش درباره این روزنامه، به این نتیجه رسیدم که یک «تک‌نگاری» (Monographie) از چنین روزنامه‌ای برای نگرش عمیق‌تر به مطبوعات فارسی بیفایده نخواهد بود. این جهت به بررسی آن پرداختم. در این بررسی روزنامه دانش از دوجنبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

۱ - تجزیه و تحلیل اندام‌شناسی (Analyse morphologique): بر اساس شیوه برنار برلسون (Bernard Berlsion)، و روش «مقدار سنجی» (Analyse quantatif) او.

۲ - تجزیه و تحلیل محتوایی (Analyse de contenu)، بر اساس شیوه چارلز آزگود (Charles Osgood) و «سنجش همبستگی پیامها» (Analyse de Contingence).

بنابراین مقاله حاضر پس از معرفی روزنامه و به دست دادن شناسنامه آن به دو نوع تجزیه و تحلیل مورد اشاره خواهد پرداخت.

دوم - شناسنامه روزنامه

- ۱ - نام روزنامه: دانش.
- ۲ - محل اداره: طهران، خیابان علاءالدوله، نمرة ۲۴.
- ۳ - صاحب امتیاز و مدیر: خانم دکتر کحال.^۱
- ۴ - سردبیر: ع. صفوت.^۲
- ۵ - شعار روزنامه: روزنامه‌ای است اخلاقی، علمی، خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، مفید به حال دختران و زنان و به کلی از بتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند.^۱
- ۶ - فواصل انتشار: هفتگی.^۱
- ۷ - تاریخ انتشار اولین شماره: دهم شهر رمضان المبارک سنة ۱۳۲۸ [هجری قمری]
- ۸ - تاریخ انتشار آخرین شماره: دوشنبه بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹ [هجری قمری].^۱
- ۹ - قیمت روزنامه: تهران، یک عباسی، سایر ولایات ۵ شاهی.^۱
- ۱۰ - بهای اشتراک: تهران یک ساله ۱۲ قران، سایر ولایات ۱۵ قران، بلاد خارجه ۷ فرانک.^۱
- ۱۱ - قطع روزنامه: ۲۵×۲۱ سانتیمتر.^۲
- ۱۲ - تعداد صفحات: ۸ صفحه.
- ۱۳ - تعداد ستونها در هر صفحه: ۲ ستون ۹ سانتیمتری برابر ۴ ستون متعارف.^۱
- ۱۴ - نام و نشانی چاپخانه: طهران، مطبعه شرقی.^۱
- ۱۵ - نوع چاپ و حروف: چاپ سری - حروف دستی آلمانی.^۱
- ۱۶ - محل انتشار: طهران.
- ۱۷ - بهای آگهی: صفحه اول سطر یک قران، صفحه آخر، ده شاهی.^۱
- ۱۸ - مقررات اداری و تحریری: لوائح و مقالاتی که با مسلک روزنامه موافقت کند پذیرفته و درج خواهد شد.^{۱۵}

۱۹ - ویژگی روزنامه: روزنامه‌ای است که برای زنان با مطالب مخصوص آنها منتشر می‌شده است.

۲۰ - صاحبان دوره‌های کامل روزنامه و محل آنها: خانم قدسی چوبک (معصوم) کالیفرنیا، ایالات

متحدہ امریکا. خانم اقدس قائم مقامی (معصوم) تهران، ایران.

۲۱ - تیراز روزنامه: (؟) %

۲۲ - طرح سرلوحه روزنامه: در سرلوحه روزنامه دو باروازه «دانش» به خط نسخ به صورت تزیینی در دو به هم نوشته شده. طرح دو قلم که به صورت ضربدر یکدیگر را تلاقی کرده‌اند در بالا و طرح یک گل نامأنوس در زیر آن آمده است و عدد ۱۳۲۸ که سال انتشار روزنامه است در زیر گل قرار دارد. و حتی با تغییر سال در کلیشه شماره ۳۰ یعنی آخرین شماره که تاریخ دوشنبه بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹ را دارد این تاریخ عوض نشده است.

سوم - تجزیه و تحلیل اندام‌شناسی روزنامه

این قسمت از بررسی، همچنان که اشاره شد بر اساس شیوه برنار برلسون و روش «مقدار شناسی» او صورت گرفته است. روش اندازه‌گیری مقداری برلسون به این صورت است:

طول چاپی صفحه روزنامه X عرض چاپی صفحه روزنامه = سطح چاپ شده یک صفحه روزنامه

سطح یک صفحه روزنامه X تعداد صفحات نمونه = سطح کل نمونه

سطح کل هر بخش طبقه بندی شده در نمونه گیری = $\frac{\text{سطح کل نمونه}}{\text{سطح کل نمونه}}$ درصد سطح آن بخش نسبت به سطح کل نمونه

به این ترتیب ما ابتدا سرفصلهای عمده‌ای را که در روزنامه یافته‌ایم با عناوین کلی مشخص ساخته‌ایم و سپس به اندازه‌گیری کمی آنها پرداخته‌ایم و آن‌گاه این اندازه‌ها را نسبت به سطح کل چاپی شماره روزنامه سنجیده‌ایم و جدولی فراهم آورده‌ایم که با یک نگاه به آن، سهم هر یک از موضوعات را در کل روزنامه به‌طور کمی می‌توان به‌دست آورد:

۱ - پاورقیها و داستان ۱۷%

۲ - اخبار و مقالات اساسی ۱۵%

۳ - بهداشت عمومی ۱۴%

۴ - روی جلد روزنامه ۱۲/۵%

۵ - بهداشت کودکان ۱۱%

۶ - بهداشت بانوان ۹/۵%

۷ - آگهیها ۹%

۸ - زنان مشهور معاصر ۶%

۱ - دریچه‌ای به جهان ۵%

۱۰ - گوناگون ۱%

حال در مورد هر یک از این فصلهای دهگانه توضیحی به اختصار می‌دهیم و در صورت لزوم نمونه‌هایی را که نشان‌دهنده کیفیت عرضه مطلب در آن بخش است ارائه خواهیم داد.

۱ - پاورقیها و داستانهای روزنامه

به جز تئاتر ناتمام «وداع» به قلم ع. صفوت در شماره دوم روزنامه، روزنامه در تمام شماره‌ها ترجمه داستانهای اروپایی را به صورت پاورقی در پایین صفحات خود ارائه داده است. طولانی‌ترین داستان روزنامه داستانی است به نام «سرگذشت دختر دهقان‌زاده عالی‌طبع، ترجمه انگلیسی» که از شماره ۱۰ آغاز شده و در شماره ۲۳ پایان یافته است. داستانها اغلب از زبان انگلیسی ترجمه شده و در نتیجه نامها اغلب بازگردانده شده اسامی انگلیسی‌ست چنان که «مستر» به جای آقا و «میس» به جای دخترخانم به کار گرفته شده است. موضوع داستانها حوادث زندگی متعارف است با چاشنیهایی از دلهره، عشق و خیانت. نثر این داستانها در قیاس با نثر مقالات بسیار سست و نزدیک به ترجمه تحت‌اللفظی‌ست که فرضاً قابل قیاس با ترجمه‌های محمد ظاهر میرزای قاجار مترجم عهد ناصری نیست. با این همه پیداست که به روزگار انتشار روزنامه، خوانندگان به پاورقیهایی از این دست، دل می‌بسته‌اند زیرا که هم ناشر از آغاز کار خود وعده چاپ چنین داستانهایی را داده است و هم سطح زیر چاپ پاورقیها در مجله ۱۷/۵% است یعنی بالاترین مقدار مطلب از مجموع مطالب روزنامه.

۲ - اخبار و مقالات اساسی

در این بخش اخبار مربوط به زنان و نیز مقالات اساسی که زنان موضوع آن هستند آمده است. در شماره اول در اهداف روزنامه، خانم مدیر روزنامه متذکر شده است که روزنامه را برای تحصیل اخلاق حسنه خانمهای محترم تأسیس کرده و برای تفریح و تفنن آنها در هر نمره، ترجمه بعضی رمانها را درج می‌نماید. او آن‌گاه از مردان کمک خواسته تا روزنامه را در نزد زنان رواج دهند و «خانمهایی که سواد ندارند بر آقایان محترم فرض است که این جریده را برای آنها هر هفته بخوانند که آنها از این فیض محروم نمانند بلکه همین معنی سبب شود که تحصیل سواد نیز بفرمایند» (ش ۱، ص ۲).

در همین بخش مقالات اساسی‌ست که روزنامه اشاره‌هایی به ضرورت تربیت مردان در برخورد با زنها دارد (ش ۲، ۳، ۶، ۱۸). در شماره ۲۲ مردی به نام علی زنجانی مقاله‌ای

دربارۀ تربیت دختران نوشته که روزنامه نوشته او را با تشکر از این که وی اولین مردی است که این روزنامه زنانه را جدی گرفته و برایش مقاله نوشته چاپ کرده است. از اخبار جالب این بخش معرفی اولین مدرسه دخترانه ایرانیست (ش ۸) که ظاهراً به مباشرت میو ریشارد (در زبان فرانسه حرف آخر این اسم تلفظ نمی‌شود) خان معروف و ملقب به مؤدب‌الملک تأسیس شده و آن‌گاه اداره آن به یک خانم فرانسوی به نام مادموازل سیکوس (Sacousse) واگذار گردیده است. میو ریشاردخان در راه توسعه فرهنگ اروپایی زمان خود در ایران سعی فراوان داشته است و هم اوست که نخستین کتاب طبخی ایرانی و فرنگی را به زبان فارسی چاپ و منتشر کرده و در آن دستور آشپزی فرنگی را با معرفی انواع غذاهای فرانسوی داده است و نیز برای غذاهای ایرانی اندازه و مقدار مصرف مواد را که در اصطلاح فارسی به آن نسخه غذا می‌گویند ذکر کرده و کوشیده است تا این کار را روی موازین اروپایی عرضه کند.

روزنامه در شماره ۲۸ خود این مدرسه را که به آن مدرسه فرانکو پرسیان گفته می‌شده یکی از مدارس اروپا می‌داند که در تهران برپا شده. در همین شماره ۲۸ ضمن شرح امتحان آخر سال مدرسه عفتیه که توسط مادر نقیب‌الممالک تأسیس و وسیله عفت‌الزمان خانم، دختر نقیب‌الممالک اداره می‌شود به تفصیل مراسم جشن آخر سال برمی‌خوریم که در آن ربابه خانم شاگرد کلاس ششم این مدرسه که صیبه نواب والا جلال‌الممالک معرفی شده خطابه‌ای به زبان فرانسه ایراد می‌کند و شاید این اولین جایی است که ما به جز نام دو فرزند ذکور جلال‌الممالک ایرج میرزا یعنی جعفرقلی میرزا و خسرو، به نام دختر او هم برخورد می‌کنیم که بعدها به نوشته آقای دکتر محبوب «دختری دانا و صاحب قریحه است».^{۱۸}

نکته جالب آن است که مجلس مدرسه دخترانه با مدح و ثنای مشروطه و دعای ذات اقدس همایونی (احمدشاه) و نیابت سلطنت (ناصرالملک قراقرزلو) و سرداران ملی (ستارخان و باقرخان) خاتمه می‌یابد و دختران بعد از زنده باد گفتن برای مشروطه و مرده باد گفتن برای استبداد، برای خانم دکتر که حال هم زنده بادی می‌گویند (ش ۲۸، ص ۴).

از یک مقاله جالب در بحث مقالات نمی‌توان غافل شد و آن مقاله‌ای است که تحت عنوان «خطاب به مردان» به چاپ رسیده و در آن پس از اشاره به خطاهای مردان در مورد رفتار با زنان مسأله توهین و تحقیر به زن را پیش کشیده و می‌نویسد:

«دیگر هیچ مردی حق توهین و تحقیر نمودن به زنان را ندارد که زنان از حیث

کفایت و ذکاوت کمتر از مردان نیستند و احترام آنها بیش از مردان است و هر مردی که تا به حال این را نفهمیده حساب خود را نموده، اندازه خود را بفهمد» (ش ۱۳، ص ۴). نمی‌توان این قسمت را به پایان برد و از خیر و تفسیر جالبی که در شماره ۸ روزنامه آمده است چشم پوشید. خبر حکایت از این دارد که در ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ خانم محترمه‌ای که دو هفته قبل از تهران به مشهد رفته در راه مراجعت در سمنان دچار درد وضع حمل می‌شود و در چا‌پارخانه سمنان که محل اقامتش بوده قابله‌ای را می‌خواهد و پس از وضع حمل دو فرزند توأمان را که هر دو پسر بوده‌اند با ده تومان پول به دست قابله می‌سپارد و به او می‌گوید: «بچه را به تو می‌دهم. می‌خواهی بکش. می‌خواهی بخور. می‌خواهی بزرگ کن. خودت می‌دانی» بعد معلوم شد که روز دیگر هر دو طفل در خارج شهر به خاک رفته‌اند و پسره کاکلی نام از قضیه مطلع بود و کسی نیست که کاملاً تحقیق کند این خانم که بود؟ قابله که بود؟ بچه‌ها خودشان مردند یا قابله آنها را کشت؟ خانم طهرانی به چه خیال مرتکب این عمل شد؟ و کجا رفت چون این امور راجع به نظمیة است (ش ۸، ص ۷).

آن‌گاه روزنامه‌دانش خود به تفسیر و اظهار نظر می‌پردازد و با ذکر مثالی مسأله‌ای را مطرح می‌کند که طرح آن در آن روزگار جرأت خاص نژم دارد. روزنامه تذکر می‌دهد که به دستور کاترین دوم امپراتریس روسیه در تمام شهرها و دهات این مملکت محل مخصوصی برای پرستاری از زنان آبستن برپا شده و... «قدغن کرد که هر زنی بخواهد وضع حمل نماید در آن مقام ورود کند بدون این که پیرسند این طفل پدرش کیست و از کجا تولید شده و خانم اسمش چیست و در کجا اقامت دارد. از آن ضعیفه پرستاری و پذیرایی نمایند و مادام که آن زن محتاج پرستاری است در آن خانه مهمان است و دیناری از او نمی‌گیرند. اگر بعد از وضع حمل خواست طفل خود را ببرد مختار است و الا طفل تعلق به پادشاه می‌گیرد... فایده این اساس نه تنها راجع به زنانی است که در غیاب شوهر العیاذ بالله... و در موقع زادن به آنجا ملتجی می‌شوند بلکه بسیاری از زنان عقیقه هستند که در موقع وضع حمل از عهده مخارج این کار بر نمی‌آید لهذا به آن مکان رفته مهمان دولت می‌شوند (همان جا، همان صفحه).

۳ - بهداشت عمومی

اگر بخواهیم مجموعه مقالات پزشکی و بهداشتی این روزنامه را در کنار هم قرار دهیم بیشترین سهم مقالات روزنامه‌دانش به این امر، یعنی پزشکی و بهداشت اختصاص خواهد یافت یعنی این مقالات با مجموع ۳۴/۵٪ از سطح کل روزنامه، از بخش پاورقی

و داستان ۱۷٪ پیش خواهد افتاد. اما نظر ما بر این است که مشخصات هر یک از بخشهای بهداشت عمومی، بهداشت بانوان و بهداشت کودکان را جداگانه بررسی کنیم تا دریابیم که این خانم پزشک در هشتاد و اندی سال پیش چگونه در تفهیم مسائل بهداشتی و تبلیغ شیوه‌های سلامت برای طبقات مختلف سعی کرده است.

در بخش مقالات بهداشت عمومی و پزشکی مسائل مبتلابه روز جامعه به زبان ساده توضیح و تشریح گردیده است. به مبارزه با انواع وبا، توضیح درباره انواع وبا، بهداشت دندان، بهداشت چشم و گوش و دهان، اسهال، جوع، سوختگی، برنشیت، یبوست داده شده است و نیز در این بخش آموزشهایی درباره فواید نور آفتاب، مزایای استفاده از هوای آزاد به چشم می‌خورد.

روزنامه‌دانش به انتقاد از طب سنتی ایران می‌پردازد و در مذمت استفاده از شکسته‌بندها برای درمان می‌نویسد «این را بدانید اطبایی که به واسطه علم تمام اسباب و آلات بدن انسان مثل آینه در جلو چشمان است همه ایشان شکسته بستنی را به خوبی نمی‌دانند قصاب و حمامی و بعضی شکست‌بست‌های اسمی بی‌علم چگونه می‌توانند عضوی را جا بیندازند البته بدتر خواهند کرد» (ش ۱۷، ص ۸).

در بخش بهداشتی روزنامه بیش از هر بخش دیگر از مصطلحات طبی و بهداشتی اروپایی استفاده شده است و همچنان که در بخش پایانی و نتیجه‌گیری اشاره خواهد شد این روزنامه برخلاف روزنامه‌های قبل از خود مانند صوراسرافیل و با روزنامه‌های همزمان خویش بیشتر مصطلحات خود را از زبان انگلیسی گرفته است. به این جهت در همین بخش بهداشت عمومی به لغاتی برمی‌خوریم که فارسی‌نشته اصل انگلیسی‌ست مانند: insomnia (به معنی بیخوابی) که به صورت «انسومنیه» نوشته شده، یا ointment (به معنی خمیر دارویی - پماد) که به صورت «اوینتمنت» آمده. همچنین است لغت دستگاه علمی، و برای زمان انتشار روزنامه بسیار تازه، incubator (رحم مصنوعی که در آن کودکان نارس را تا وقت تولد حفظ می‌کنند) که به صورت «این کیویتو» آمده و درباره آن مقاله روشنگرانه‌ای نوشته شده است. و جز خود واژه incubator اندازه‌های درجه حرارت این دستگاه با واحد اندازه‌گیری فارنهایت تعریف شده است (ش ۱۸، ص ۲-۳). یا مقاله بسیار جالبی که درباره رادیوم و اختراع آن و استفاده از آن در پزشکی نوشته شده و نویسنده مقاله - به احتمال قوی خود خانم کحال - تذکر داده است که این مقاله را علاوه بر آن که به مقصود معرفی این اشعه درمانی نوشته است به آن جهت به رشته تحریر درآورده که «خانمهای محترم بدانند این اختراع بسیار مفید به واسطه یک

خانم دانشمندی از اهل فرانسه شده است که جماعت نسوان قابلیت و کفایت همه چیز را دارند. خانم مشارالیه اسمش Madam Curie (کذا) مادام کیوریست (کذا) که در میان تمام اطباء و دواسازهای عمده عالم شهرت و عزتی پیدا نموده و قابل تمجید گشته است» (ش ۲۳، ص ۱۵).

نکته ظریف آنجاست که این خانم دکتر مقاله خود را درباره مادام کوری و رادیوم و رادیوترایی (پرتو درمانی) در سال ۱۹۱۱ میلادی نوشته و کوری‌ها رادیوم را در ۱۸۹۸ کشف کردند و در سال ۱۹۰۳ زن و شوهر جایزه نوبل فیزیک را ربودند و خانم ماری کوری در همان سال ۱۹۱۱ جایزه شیمی نوبل را هم به خاطر استفاده پزشکی از اشعه رادیوم به دست آورد، و این نشان می‌دهد که نویسنده مقاله تا چه اندازه به مسایل روز حرقه خود نزدیک و آشنا بوده است. به علاوه مطالعه مقاله نشان می‌دهد که وی کاملاً رادیوم و طریق درمان با آن و اشعه سه گانه «آلفا»، «بتا» و «گاما» را با مقدار برد و تأثیر آنها می‌شناخته است.

۴ - روی جلد روزنامه

یک هشتم از کل مساحت نجایی هر شماره روزنامه را صفحه اول روزنامه به خود اختصاص داده است. در این یک صفحه اطلاعاتی از قبیل نام صاحب روزنامه، قیمت، بهای اشتراک، شعار روزنامه، تاریخ انتشار، فواصل انتشار و جز آن آمده است و با توری آن می‌توان به تغییرات اداری روزنامه همچنان که در پانویسهای شناسنامه آمده است پی برد.

۵ - بهداشت اطفال و آیین بچه‌داری

در این بخش مقالات بسیاری از آیین بچه‌داری و حفظ الصحة اطفال طبقه بندی شده است. در روزنامه درباره طرز شیر دادن طفل، طرز خواباندن او، محل خواب بچه، بیماریهای بچه به تفصیل مطالبی آمده است. موضوع انتخاب دایه برای شیر دادن اطفال که از امور رایج آن زمان بوده به دقت حلاجی شده. برای انتخاب دایه شرایطی گذاشته شده که انتخاب را چندان آسان نمی‌نماید. در شماره ۲۴ دستوری برای ورزش اطفال به صورت مشق و ورزش آمده است که درباره چهار مشق سر، مشق دستها، مشق بدن، و مشق پا توضیحات کافی داده شده است.

۶ - بهداشت بانوان

در این بخش علاوه بر مباحث بهداشتی مانند مواظبت از مو، لب، دندان و پوست به موضوع خانه‌داری و برنامه‌ریزی تدبیر منزل توجه مخصوص شده است. شاید برای

اولین بار برنامه‌ای برای نظافت خانه در شماره ۶ این روزنامه ارائه شده است. همچنان که دستور رفتار با مستخدمین منزل به خانم خانه داده شده. از جمله مرخصی هفتگی به خدمتکاران و چگونگی تعلیم خدمتکاران تازه و مراقبت بر نظافت آنها مورد بحث قرار گرفته است و نیز نحوه تهیه دفتر مخارج منزل و بودجه‌ریزی پول خانه به خانمها ارائه گردیده است.

در کنار مسائل بهداشتی و تدبیر منزل، دستورهای زیبایی روزنامه نیز درخور توجه است. دستور استفاده از ماسک خیار و شیر برای نظافت پوست (ش ۶، ص ۷)، دستور لباس پوشیدن و فر زدن به‌طور درست (ش ۷، ص ۷)، مواظبت از تناسب اندام از طریق جایگزین کردن ساخارین به جای قند، نخوردن چربی، مصرف زیاد آب در صبح ناشتا، حرکت و کار جزو تعلیمات آرایشی و بهداشتی روزنامه است (ش ۲۶، ص ۶). تهیه ماسک از گیاه معروف به فجیل (یا ترب فرنگی) که در روزنامه نام انگلیسی آن به صورت حارس ردیش آمده که فارسی شده Horse Radish انگلیسی‌ست و روزنامه آن را ریشه خردل نامیده، از جمله مطالب جالب دستورهای زیبایی‌ست که در بخش مربوط به بانوان به آن برمی‌خوریم (ش ۱۰، ص ۱). اما قابل تأمل‌ترین مطلب این بخش اشاره طنزآلودی‌ست که این روزنامه زنانه به امر حجاب دارد. نویسنده مقاله‌ای تحت عنوان «قشنگی لب و دندان»، در وسط مقاله می‌نویسد: «نقاب و روبنده در وقت بیرون آمدن از خانه برای محافظت لب و صورت از برای خانمها بسیار چیز خوبی‌ست اگرچه می‌دانم در این دوره برخلاف میل بعضیهاست ولی مقصود ما حفظ‌الصحه است» (ش ۱۷، ص ۴). و بعد روبنده و نقاب را مانع استنشاق انواع میکربها قلمداد می‌کند و باز تأکید می‌کند که: «خانمهایی که رو گرفتن را منسوخ می‌دانند به آنها عرض نمی‌کنم. خانمهایی که بی‌سلیقه هستند و رو می‌گیرند اگر نقاب می‌زنند باید پیچۀ آنها عربی اصل بسیار سنگین باشد (همان شماره، همان صفحه).

۷- آگهی‌ها

آگهیهای روزنامه شامل آگهیهای بازرگانی، از قبیل اعلان دوافروشها، واردکنندگان لوازم زنانه، ابزار و آلات موسیقی و غیره است. بعد از آن به یک سلسله آگهیهای مربوط به مشاغل برخورد می‌کنیم که آگهیهای مربوط به مطب خانم دکتر کحال و خدمات پزشکی او بیشترین جا را به خود اختصاص داده است. در همین بخش به آگهی ورود و شروع به کار یک خانم طبیب امریکایی به نام دکتر مودی برمی‌خوریم که ضمن آن که پزشک عمومی‌ست از «امراض مخصوص به نسوان و قابلیتگی مهارت به

کمال دارد». (ش ۷، ص ۲) و هم در مطب خود در خیابان علاءالدوله از مرضا پذیرایی می‌کند و هم هفته‌ای دو روز در مریضخانه صحت «عموم طبقات خاصه خواتین و خانمهای محترمه را می‌پذیرد». (همان‌جا). روزنامه دانش از ورود این طیب اظهار شادمانی کرده و از این که «مرضای مسلمین و غیرهم را» قرین صحت و سلامت می‌نماید برایش بقا و ثبات از درگاه احدیت مسألت نموده است. هفت شماره بعد، روزنامه خبر از ورود طیب زن دیگری می‌دهد که او هم امریکایی است و دکتر کلارک نام دارد و تخصصش قابلیت‌های و امراض زنان است و جنب سفارت امریکا «کل امراض زنانه و مردانه را از صبح تا ظهر معالجه می‌نماید» (ش ۱۴، ص ۲). روزنامه دانش در ذیل این اعلان به قابله‌های سنتی که با عدم رعایت بهداشت موجب مرگ زنان باردار می‌شدند حمله می‌کند و از مشکلات زایمان غیرطبیعی حرف می‌زند.

در بخش دیگری از آگهیها به اعلان استخدام یک خدمتکار برای خانه برخورد می‌کنیم که شاید نخستین آگهی از این گونه باشد که در جراید فارسی زبان چاپ شده. در اعلان آمده است:

«اخطار — یک نفر خدمتکار کاردان تمیز کامله سن از برای خانه‌ای که دارای دو نفوس اند لازم است. هر کس حاضر است خود را با ضامن صحیح به اداره جریده دانش معرفی کند» (ش ۲۰، ص ۲).

اما بی‌شک جالبترین آگهی این روزنامه اعلانی است که در آن بانوی مسافری به علت سفر اموال خود را به حراج گذاشته است. طبق این آگهی، که به آگهیهای Moving Sale امروز می‌ماند. «مدم وقل — طبعاً مادام وقل، نویسنده — که عازم یروپ است اساس الیت (کذا) خود را در منزل کوچه مقابل پارک اتابک جنب مدرسه گبرها، خانه نمرة ۱۳ همه‌روز به فروش می‌رساند» (ش ۲۶، ۲۷).

در میان صورت اثاثیه مورد حراج، این اجناس به چشم می‌خورد: کتار [ظ، گیتار]، (طار فرنگی)، زتار [؟] (سنتور فرنگی) — میوزیک باکس (ساز کوکی).

بخش دیگری از آگهیهای روزنامه آگهیهای اداره روزنامه است از قبیل تغییر محل روزنامه، اخطار به مشترکینی که حق اشتراک خود را نپرداخته‌اند، عذر تأخیر انتشار روزنامه به علت‌های مختلف مانند تعطیلات نوروز، کمالت مدیر روزنامه و غیره آمده است. همچنین در روزنامه آگهی تسلیم مرگ علیرضا خان عضدالملک قاجار نایب السلطنه اول احمدشاه با قصیده تعزیتی چاپ شده، و آگهی تسلیم مدیره مدرسه احیاء در مرگ میرزا حسن خان برادر خانم دکتر کحال و تشکر او از تسلیم دهنده چاپ شده است.

۸ - زنان مشهور معاصر

روزنامه دانش کوشیده است تا با ارائه تصاویری از زنان مشهور روزگار و ذکر صفات برجسته آنان در حقیقت زنان ایران را به اهمیت مقام زن در دنیای آن روز متوجه سازد. در روزنامه دانش از «کوئین الیزابت»، ملکه بلژیک، ملکه هلند، ملکه آلمان، ملکه مادر جرج پنجم پادشاه انگلستان، ملکه ژاپن، ملکه رومین صحبت شده و درباره هر یک از آنان و خدماتی که به مملکت خود می‌کنند مطالب جالبی آمده است.

به جز این، مقالاتی درباره فعالیت و مشارکت زنان در امور اجتماعی ممالک مختلف در روزنامه آمده است. فرضاً از همکاری زنان انگلیسی به هنگام انتخابات برای به دست آوردن رأی برای شوهرانشان که نامزد وکالت مجلس هستند مفصلاً صحبت کرده است. اما شاید جالب‌ترین آن اشاره‌ای باشد که روزنامه به وضع زنان عثمانی کرده است:

«(ترقی زنان عثمانی) (از رولسیون)

سابق بر این مدارس مملکت عثمانی منحصر از برای دختران عیسوی بود ولی در این دوره آزادی که ابواب ترقی و معارف گشوده است عده محصلین مسلمه پیش از سایر شده است و دیده می‌شود که هوش و ذکاوت مسلمین بیش از دیگران است. در ایام قدیم به واسطه جهالت هیچ پسندیده نبود که کسی به مدارس خارجه رود خاصه نسوان یک خانمی حلیمه صالح نام که هیچ گونه اعتنا به مذمت و بدگویی مردم نداشت و سعادت انسان را به معرفت و کمال می‌دانست در مدرسه امریکایی که در آنجا بنا شده است تحصیل می‌نمود و دارای مراتب عالیہ گشت که حالیه حیات دارند و خیلی سبب آگاهی ترقی نسوان آن‌جاست که در هر محافل و مجالس نطقهای مؤثر می‌نماید و همیشه از مقاله‌های سودمندش در بیداری نسوان زینت روزنامه‌های اسلامبول است به واسطه نشر کمالاتش مشهور و پسند نظر اولیای امور آنجا گشته که خیلی از اوقات در امورات کلی از این حکیمه دانشمند مشورت می‌نمایند. پارسال گذشته مشارالیه یک مدسه انائیه افتتاح نمود که در تحت ریاست و مدیریت خود او روی پرگرام و اسلوب صحیح تدریس می‌شود...» (ش ۲۴، ص ۴).

۹ - درپچه‌ای به جهان

در این بخش مقالاتی مورد طبقه‌بندی قرار گرفته است که توجیه و توضیح وضع اجتماعی زنها را در ممالک دیگر می‌کند. روزنامه دانش با نهایت هوشیاری شکل ازدواج دختر و پسر را در کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، و روسیه شرح داده و توضیح داده است که فرضاً در ممالکی مثل آلمان «دخترها و بیوه‌زنها بدون اذن و اجازه بزرگترهای

خود شوهر اختیار می‌کنند» (ش ۱۳، ص ۴) و یا در انگلستان «در انتخاب خواستگاری مطلق اختیار با خود پسر و دختر است که هر که را به میل خود یافتند قبول نمایند ولی برحسب حکم دولت نباید پسر یا دختر قبل از چهارده سالگی ازدواج نمایند» (ش ۱۴، ص ۶). یا ازدواج در نزد اهالی اسلامبول که حال دیگر حجاب را هم رعایت نمی‌کنند و تعدد زوجات را هم مکروه می‌دانند صورت خاصی دارد:

«چند سالی است که در مملکت عثمانی میان بعضیها پسندیده نیست بیشتر از یک زوجه اختیار نمایند. در این دوره مشروطه تمام وضع و ترتیب زنان عثمانی مثل زنان یروپ است که تمام کار و امورات خودشان را از آنها تقلید می‌نمایند مثلاً سابق بر این در کوچه و بازار نقابی که به صورت می‌زدند حالیه مرسوم نیست فقط پشماق [کلمه ترکی است و به معنی نوعی شال] نازکی که بر سر دارند محض حجاب گوشه آن را جلو صورت پایین چشمان قرار می‌دهند ولی باز هم نصف صورت از زیر پشماق نمایان است. در اسلامبول یک اداره عالی برای نکاح دارند که هر خانواده پسر و دختر هرچه داشته باشند اسم و رسم و آدرس به آن اداره داده ثبت دفتر می‌شود. خانه‌ای که داماد بخواهند یا عروس بخواهند به اداره اطلاع می‌دهند. اداره آدرسی را به آنها می‌دهد که قبل از وقت صاحب آن آدرس را به توسط مفتش تفتیش و رسیدگی کرده است و در وقت معرفی ارباب رجوع موافق دلخواه و سلیقه آنها کسی را نشان می‌دهند. آن وقت خودشان رفته همدیگر را خواهند دید. اگر پسندیدند اسباب عقد را فراهم خواهند نمود و اگر پسندیدند دوباره یک آدرس دیگر از اداره خواهند گرفت» (ش ۲۶، ص ۳).

۱۰ - گوناگون

در این بخش که کمترین سهم را در مجموع سطح چاپی روزنامه دارد به سرفصلهایی پرداخته‌ایم که معمولاً روزنامه‌ها برای سرگرمی خوانندگان آن را چاپ می‌زنند. از آن جمله است ستون مطایبات که این حکایت آن به نقل می‌ارزد: «شخصی در رودخانه غرق شد. رفیقش خواست قسمی به عیال او خیر بدهد که هول نکند، کاغذی نوشت که خانم امشب شوهر شما به خانه نخواهد آمد برای این که لباسهایش در رودخانه غرق شده و خودش نیز در میان آن لباسها بود» (ش ۱، ص ۸). کلمات حکمت آمیز از جمله دیگر مطالب گوناگون روزنامه دانش است: «زن هر چیزی را عفو می‌کند فقط کسی که وی را پسندد بخشیدن نتواند» (ش ۲، ص ۵).

در میان مطالب گوناگون روزنامه یک نام که به روزنامه نوشته شده جالب توجه است. نویسنده نام، خود را با نام خانم حاج میرزا یحیی به دفتر روزنامه فرستاده است که

ضمن تشکر از انتشار روزنامه و استدلال عجیبی که برای ترقی فکری زنان می‌کند، از انتشار آگهیهای تجارتي در مورد لباسهای خارجي و پارچه خارجي گله می‌نماید و متذکر می‌شود که مادام که محصولات داخلی مشبه وجود دارد یک روزنامه زنانه حق ندارد زنان را به خرید کالای خارجي تحریض کند و بهتر است که روزنامه به عوض خاطر نشان نمودن اطلسمهای مغازه‌مدام و طوریهای خوب، پروگرامی به جهت لباسهای ساده وطنی بفرمایند که خانمها بتوانند لباسهای خود را از پارچه وطنی قرار دهند تا یک اندازه منفعت به خودمان برسد پولی که این قدر کمیاب است در عوض این پارچه‌های بی‌دوام به خارج نرود در صورتی که پارچه‌های تبریزی در مملکت خودمان برای لباس زنان موجود است. البته تا می‌شود باید از همان پارچه خرید و پوشید و راه دکان مدام و طوری را کمتر یاد گرفت» (ش ۲، ص ۷).

مدیر روزنامه در جواب خانم حاج میرزا یحیی^{۱۱} که به نظر می‌رسد همسر حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی روشنفکر صدر مشروطه و مؤلف کتاب حیات یحیی باشد، پس از تشکر می‌نویسد: «اعلانات در تمام جراید درج می‌شود و عمومیت دارد ولی باید دانست که هیچ‌گونه ما نه در خیال تشویق و تحریض خانمها به خریدن امتعه بیفایده و بی‌لزم نبوده و نیستیم فقط اعلاتی داده‌اند و ما درج کرده‌ایم.» آن نامه و این پاسخ در حقیقت نشانگر دوگونه طرز تفکر آن روز ایران است که دنباله آن تا به روزگار ما ادامه داشته و در بخش بررسی محتوایی به آن ناگزیر اشاره‌ای خواهیم داشت.

چهارم - تحلیل محتوایی یک نمونه از مقالات روزنامه دانش

در این بخش همچنان که اشاره کردیم نظر ما به شیوه پیشنهادی چارلز آزگود است که مبتکر شیوه تجزیه و تحلیل همبستگی پیامهاست. در شیوه آزگود که به ارتباط و همبستگی مضامین در مجموعه یک پیغام توجه می‌شود با محاسبه ضرایب همبستگی پیامها می‌توان به قدرت یا ناتوانی و شدت یا ضعف پیام پی‌برد و دریافت که پیام از جهت تأثیر مورد نظر پیام‌دهنده در شخص یا توده پیام‌گیرنده تا چه اندازه بوده است. البته نباید از نظر دور داشت که شیوه آزگود به شناخت جنبه‌های خارجي تأثیر پیام توجه دارد و بیشتر به مخاطبان می‌پردازد و کسانی که مایل به شناخت «توان پیام» هستند از روش موسوم به Analyse Structure یا «تحلیل ساختاری» استفاده می‌کنند که در آن به طرحهای اساسی، پایداری مضامین، و ساخت درونی پیام توجه می‌شود و قواعد زبان‌شناسی جدید بر آن جاری‌ست.

پیش از ورود به مبحث اصلی ضروری است، به عنوان جمله‌ای معترضه، تذکر دهم که اولین کتاب در جهت تجزیه و تحلیل و تحقیق در محتوای مطبوعات به زبان فارسی به پایمردی همشاگردی، دوست و همکار قدیم و فاضل من دکتر کاظم معتمدنژاد در زبان فارسی تألیف و منتشر شده است^۱ و محققان مطبوعات هرگز نمی‌توانند کوششهای دانش پژوهانه این پشاهنگ روزنامه‌نگاری علمی در ایران را فراموش کنند.

مقاله‌ای که ما به تجزیه و تحلیل محتوایی آن می‌پردازیم مقاله‌ای است تحت عنوان «خطاب به مردان». این مقاله در شماره ۱۳، صفحه ۲ روزنامه دانش چاپ شده و جمعاً ۷۸۲ سانتیمتر از سطح چاپی این شماره، یعنی ۲۱٪ از کل مطالب را به خود اختصاص داده است. اگر صفحه اول، پاورقی متداول این شماره و آگهی روزنامه را از مجموع سطح چاپی کم کنیم می‌توان گفت که این مقاله اساسی‌ترین مطلب شماره ۱۳ و حاوی پیامهایی است که بدان اشاره خواهد شد.

«خطاب به مردان»

تا به حال در نصیحت و تنبیه خانمهای [کذا] مبالغه زیاد نمودیم پس لازم است که چند کلمه هم به مردها محض خیرخواهی و صلاحیت آنها نصیحت نماییم. هر دختری از بدو ولادت تا زمان شوهر کردن او مادر و بزرگتر آنچه باید تربیت و تنبیه و توبیخ نمایند روز به روز می‌نمایند به قسمی که پسرها را به قدر دختران هرگز توبیخ نخواهند نمود برای آن که همیشه هر کم و زیاد دختر را نقص آن حساب می‌کنند ولی پسر را چندان متحمل نیستند و می‌گویند پسر است عیبی ندارد. پس زنان از طفولیت هرچه باید نصیحت شوند شده‌اند و گوش آنها از نصیحت پر است ولی مردان به اندازه‌ای که باید گوشزد آنها نشده است. بنابراین چند کلمه به عرض آقایان می‌رسانیم... امید است که آقایان عظام بی‌اعتنایی به عرایض مشفقانه ما ننموده و همچو تصور نمایند که از این مطالبات مذکوره ما مستثنی و تکمیل می‌باشند و بدیهی است که انسان هر چه با معرفت و کمال باشد هیچ ناصحی را نباید حقیر شمرد بلکه کلمات آن را باید ملاحظه و رسیدگی [کذا] نمود غرض... عمده مطلب آن است که مردها که بدین کلمه مرد مسمی می‌باشند معنی مردانگی را همیشه و به هر مورد در نظر داشته باشند و مخصوصاً تکلیف و وظیفه خود را نسبت به عیال خود که خانم محترمه اوست بدانند تا آن که همیشه به مقتضای عدل الهی و وجدان انسانی مدیون حقوق زن به اطفال عزیز و بلکه مدیون احدی نباشد و همیشه عیال از او خوشنود [کذا] و او از عیال خوشوقت در کمال سازگاری و خوشی با یکدیگر زنده‌گانی [کذا] یا کامرانی نمایند. اول مطلب حکیمانه‌ای که بسیار قابل اهمیت است آن است که آن روز اولی که عیال خود را به عقد ازدواج در می‌آورد هر طوری که خود را تمیز و نظیف نموده‌اید محض جلوه و عزت و نمود خود تمام ایام را تا آخر عمر از برای عیالت خود را به همان‌طور زینت کرده و تمیز نگاه دار نه آن که فقط روز عروسی محض جلوه و خودنمایی آرایش داده و من بعد آن لازم ندانید، ولی در صورتی که روز اول تمیزی و آرایش خود را لازم دانستید باید همیشه به همان‌طور خود را نگاه بدارید تا آن که همیشه به نظر عیالتان به همان روز اول بیاید و سبب کمی رغبت او

نسبت به روز اول نشوید و قطع نظر از این ملاحظات خود تمیزی هم سبب فخریه و سرافرازی و خوشرفتی او می‌شود و دیگر شما را که تمیز و با سلیقه دید مجبور می‌شود که خود را همیشه مثل شما تمیز و پاکیزه نگاهدارد... بدین ترتیب پسند نظر یکدیگر خواهید بود. یک ملاحظه دیگر آن است که باید نمود تا آن که خدای نخواستہ اسباب سردی و نفاق واقع نگردد و آن این است که گرمی و محبتی که دوسه روز اول عروسی داشتید تا آخر به همان گرمی و محبت و احترام باشید و هرگاه جزئی کم و زیادی از او سر زند که موافق رأی و سلیقه شما نباشد مثلاً بی‌انضباطی [کذا] یا تند طبیعتی یا بی‌سلیقه‌گی [کذا] از این قبیل کم و زیاده‌ها... باید که به کمال ملاطفت و مهربانی دوستانه از او خواهش نمایید که به قاعده و به میل شما رفتار نماید نه آن که ایراد و بهانه بگیرید یا آن که به طور مواخذه امر و نهی بفرمایید که سبب مایوسی و بی‌محبتی او شده که دیگر گوش به حرف شما ندهد و بی‌اعتنایی کند دوستانه از روی محبت و دلالت به زبان خوشی حسن و قبح هر چیزی را که به او حالی نمودید البته قبول کرده به میل شما رفتار خواهد نمود... والا بدون این تدبیرات اسباب رنجش و لجاجت پیش خواهد آمد و آن وقت تقصیر زن نخواهد بود که به میل شما رفتار نماید. حق مرد نیست که بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به عیال خود کند. مرد هر قدر افضل و مشخص‌تر از زن باشد باید به عموم زنها احترام نماید مخصوصاً زن خود را که خانم محترمه اوست باید همیشه و دائم‌الاقوات به کمال ادب و احترام او را نگاه بدارد و نقص مرد است که سوء ادبی از او سرزند و یا آن که شخص بیجا کند... زن همان میل و محبتی که روز اول دارد تا آخر به همان میل و محبت به شما برقرار است ولی شما باید سعی و کوشش نمایید که به همان میل و محبت باقی باشید و مبادا که از آن میل و محبت اول کم‌نمایید.

چون که زن از آن جایی که تمام میل و تشویق خاطرش به شماست هیچ متوقع یک چیزی بی‌اعتنایی از شما نخواهد بود و همیشه امید دارد که مطابق محبت خودش شما هم او را بخواهید و اگر نخواهید بی‌انضباطی در حق او نموده و اسباب کوتاهی در حق خودت هم شده‌اید به جهت این که محبت محبت را می‌آورد... زن بیچاره همه امیدواری و چشمداشت او به شماست پدر و مادر خود را ترک کرده به شما پناه می‌آورد و همه قسم از شما متوقع است باید تمام احتیاجات و خواهش او را به‌جا بیاورید و در هر چیز او را بر خود مقدم بدارید مثلاً مکان بهتر و بالاتر او را نشانی لباس و لوازمات او را بیشتر و بهتر از لباس خود فراهم کنی که اقللاً پارچه لباس او کمتر از دو قیمت لباس شما کمتر نباشد علی‌هذا القیاس زن را باید خیلی گرامی داشت که بعد از پدر و مادر موئس و غمخوار و معین و پرستار شما زن است که هستی و دارایی شما به واسطه اوست شما فقط تحصیل معاش می‌نمایید ولی او خوراک و پوشاک و منزل و همه لوازمات زندگی شما را تهیه و فراهم می‌کند. دولت شما زندگی شما اولاد شما تماماً به واسطه توجه اوست پس هستی شما از اوست شما فقط پولی به او می‌دهید، دیگر خبر از چیزی ندارید و زحمت خانه و اولاد نمی‌دانید در این صورت وقتی که شما قدر نعمت او را ندانستید یا آن که سرد و بی‌میل به او شدید اسباب مایوسی او شده عزت خودتان را هم از میان خواهید برد و آن وقت زن خواهد گفت حیف از کسی که رفح کشد به هر ناکسی... به زبان خوش همه کارها از پیش خواهد رفت... دختری را دیدم که زیر دست پدر و مادر در نهایت بی‌سلیقه‌گی [کذا] و بی‌تریبی بود که همیشه متنفر نظر مردم بود همین که به خانه شوهر فہمبده

باکمالی رفت به قسمی تربیت و تصفیه اخلاقی آن را نمود که در آخر بعضی چیزهای آن مرد را هم ایراد می‌نمود هم شوهر از او رضایت داشت هم مردم از او راضی و خوشوقت بودند. پس معلوم می‌شود که مردی می‌تواند میل و اخلاق زن را مطابق میل خود نماید با داشتن محبت و همچنین زن می‌تواند مرد را مطابق میل خود بیاورد. پس در صورتی که زن باکمال‌تر از شماسات پیروی آن کن و اگر شما باکمال‌تر از او هستید او را به نصایح مشفقانه تربیت کنید. ترش‌رو و سخت‌گو نشوید برای آن که اولاً حق زن از شما زیادتر است و دیگر زن رفیق‌القلب است از جزیی کم و زیاد دلنگ و آزرده [کذا] می‌گردد... و دیگر هیچ مردی حق توهین و تحقیر نمودن به زنان را ندارد که زنان از حیث کفایت و زکات [کذا] و استعداد کمتر از مردان نیستند و احترام آنها بیش از مردان است و هر مردی که تا به حال این را نفهمیده حساب خود را نموده اندازه خود را بفهمد.»

پیامهایی که نویسنده مقاله خطاب به مردان به آنها نظر داشته است از جهت طبقه بندی به دو گروه اساسی تقسیم می‌شود:

- ۱ - پیامهایی که در جهت نشان دادن نقاط ضعف زنان به دلایل بی‌توجهی تربیت اولیه در خانواده، موقعیت اجتماعی زن در جامعه، احتیاج زن به محبت و توجه مرد، ساختمان روانی ظریف و حساس زن، در مقاله آمده است.
- ۲ - پیامهایی که درباره مزیت بی‌سبب برتری مرد، اشتباهات مرد در رفتار با زن، ضرورت سرمشق زندگی بودن از جانب مرد، اختطار به مرد در مورد رفتار درست با زنان در مقاله به چشم می‌خورد.

در ردیف پیامهای اول این نکات قابل توجه است:

«هر دختری از بدو ولادت تا زمان شوهر کردن او مادر و بزرگتر آنچه باید تربیت و تئیه و توییح نمایند روز به روز می‌نمایند به قسمی که پسرها را به قدر دختران هرگز توییح نخواهند نمود برای این که همیشه هر کم و زیاد دختر را نقص آن حساب می‌کنند.»

«زن بیچاره همه امیدواری و چشمداشت او به شماسات پدر و مادر خود را ترک کرده به شما پناه می‌آورد و همه قسم از شما متوقع است باید تمام احتیاجات و خواهش او را به جا بیاورید.»

«زن رفیق‌القلب است از جزیی کم و زیاد دلنگ و آزرده می‌گردد.»

از پیامهای دسته دوم هم این نکات قابل تأمل است:

«ولی پسر را چندان متحمل نیستند و می‌گویند پسر است عیبی ندارد. پس زنان از طفولیت هر چه باید نصیحت شوند، شده‌اند و گوش آنها از نصیحت پسر است ولی مردان

به اندازه‌ای که باید گوشزد آنها نشده است».

«اول مطلب حکیمانه‌ای که بسیار قابل اهمیت است آن است که آن روز اولی که عیال خود را به عقد ازدواج در می‌آورید هر طوری که خود را تمیز و تنظیف نموده‌اید محض جلوه و عزت و نمود خود تمام ایام را تا آخر عمر از برای عیالت خود را به همان‌طور زینت کرده و تمیز نگاهدار نه آن که فقط روز عروسی محض جلوه و خودنمایی آرایش داده و من بعد آن لازم ندانید».

«گرمی و محبتی که دو سه روز اول عروسی داشتید تا آخر به همان گرمی و محبت و احترام باشید».

پس از مطالعه دقیق همبستگیهای درون پیام، می‌بینیم که فرستنده پیام در این مقاله نخست از طریق روان‌شناسی معکوس وارد میدان مباحثه شده است و یا قبول بخشی از کاستیهای زن، عملاً مرد را در برابر حقیقت واقع قرار داده و آن‌گاه زیرکانه از نارساییهای تربیت مرد سخن به میان آورده و سرانجام پیام کلی مقاله را به این صورت برای ذهن خواننده مرد طبقه‌بندی کرده است:

— زن در خانه مرد ابزار عشرت او نیست بلکه معاشر و هم‌نشین زندگی اوست و حق مساوی و گاه برتر دارد.

«در هر چیز او را بر خود مقدم بدارید مثلاً مکان بهتر و بالاتر او را نشانی لباس و لوازمات او را بیشتر و بهتر از لباس خود فراهم کنی».

— «دولت شما زندگی شما اولاد شما تماماً به واسطه توجه اوست پس همتی شما از اوست».

— «وقتی که شما قدر نعمت او را ندانستید یا آن که سرد و بی‌میل به او شدید اسباب مأیوسی او شده عزت خودتان را هم از میان خواهید برد».

— «دوستانه از روی محبت و دلالت به زبان خوشی حسن و قبح هر چیزی را که به او حالی نمودید البته قبول کرده به میل شما رفتار خواهد نمود ... و الا بدون این تدبیرات اسباب رنجش و لجاجت پیش خواهد آمد و آن وقت تقصیر زن نخواهد بود».

پس از طبقه‌بندی پیامهای مقاله، نویسنده مقاله پیام‌نهایی را که حکم دستور او را دارد به نحوی ارائه می‌کند که به یک فرمان غیرقابل سرپیچی بیشتر شبیه می‌شود. فرمانی که برای مرد هشتاد و اندی سال پیش نه تنها در ایران که در دنیای آن روز هم آمرانه‌تر از حد متعارف است:

«عمده‌مطلب آن است که مردها که بدین کلمه مرد مسمی می‌باشند معنی

مردانگی را همیشه و به هر مورد در نظر داشته باشند و مخصوصاً تکلیف و وظیفه خود را نسبت به عیال خود که خانم محترمه اوست بدانند».

«حق مرد نیست که بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به عیال خود کند. مرد هر قدر افضل و مشخص‌تر از زن باشد باید به عموم زنها احترام نماید مخصوصاً زن خود را که خانم محترمه اوست باید همیشه و دائم‌الاقوات به کمال ادب و احترام او را نگاه بدارد و نقص مرد است که سوء ادبی از او سرزند و یا آن که تشخص بیجا کند».

«در صورتی که زن با کمال‌تر از شماست پیروی آن کن».

«دیگر هیچ مردی حق توهین و تحقیر نمودن به زنان را ندارد که زنان از حیث کفایت و ذکاوت و استعداد کمتر از مردان نیستند و احترام آنها بیش از مردان است و هر مردی که تا به حال این را فهمیده حساب خود را نموده، اندازه خود را بفهمد».

خلاصه مقاله و چند استنتاج:

● روزنامه دانش، اولین روزنامه فارسی زبان است که برای زنان و توسط یک زن منتشر گردیده است.

● این روزنامه را به اعتبار آن که صاحب امتیاز و مدیرش چشم پزشکی بوده، و از مسائل پزشکی و بهداشت آگاهی داشته است می‌توان در عین حال اولین روزنامه پزشکی و بهداشتی فارسی زبان نیز دانست، زیرا که مجموعه مقالاتش در این زمینه (۳۴/۵٪ کل مقالات) از یک سوم کل سطح روزنامه بیشتر است.

● این روزنامه شاید به دلیل آن که صاحب امتیاز و مدیرش تحصیلات انگلیسی — در مدرسه امریکایی — داشته است اولین روزنامه‌ای است که مصطلحات انگلیسی را چه به زبان اصلی و چه به صورت فارسی شده لغات انگلیسی به فراوانی به کار برده است.

● روزنامه دانش اولین روزنامه‌ای است که درباره حقوق زنان و چگونگی رفتار با زنان در جامعه و بخانواده مقالاتی نوشته و زن را عنصر فعال جامعه و مسوول زندگی خانواده معرفی کرده است.

● زبان روزنامه — جز در مورد ترجمه رمانهای خارجی — به نسبت زبان روزنامه‌های آن زمان و با توجه به این که تعداد زنانی که دست به قلم برای نوشتن داشته‌اند اندک بوده است زبانی روشن، گویا و واقعی به مقصود است و تا حدود قابل ملاحظه‌ای نزدیک به زبان روزنامه صوراسرافیل است با همان وسعت تفهیم معانی.

● نویسندگان یا نویسندگان روزنامه — چون به اقرب احتمال اکثر مقالات

کتابخانه

تاریخ تاسیس: ۱۳۴۸

روزنامه: «دانش» - تهران - انتشارات: «دانش» - تهران - شماره: ۱۳۴۸

سازمان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	محل: تهران
مدیر: دکتر محمد علی انصاری	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
کتابخانه: کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ساخت: ۱۳۴۸
آرامگاه: آرامگاه شهدای ۱۳۴۸	مدیر: دکتر محمد علی انصاری
سازمان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
مدیر: دکتر محمد علی انصاری	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
کتابخانه: کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ساخت: ۱۳۴۸
آرامگاه: آرامگاه شهدای ۱۳۴۸	مدیر: دکتر محمد علی انصاری

آرامگاه شهدای ۱۳۴۸

کتابخانه

تاریخ تاسیس: ۱۳۴۸

روزنامه: «دانش» - تهران - انتشارات: «دانش» - تهران - شماره: ۱۳۴۸

سازمان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	محل: تهران
مدیر: دکتر محمد علی انصاری	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
کتابخانه: کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ساخت: ۱۳۴۸
آرامگاه: آرامگاه شهدای ۱۳۴۸	مدیر: دکتر محمد علی انصاری
سازمان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
مدیر: دکتر محمد علی انصاری	مکان: خیابان ولیعصر، تهران
کتابخانه: کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ساخت: ۱۳۴۸
آرامگاه: آرامگاه شهدای ۱۳۴۸	مدیر: دکتر محمد علی انصاری

روزنامه را خود خانم دکتر کحال می‌نوشته است — علاقه و توجه خاصی به طرح مسائل مربوط به روز در نشریه خود داشته‌اند و از سرگذشت و روزگار زنان دیگر کشورهای جهان مقالاتی برای تیبیه و عبرت زنان ایرانی چاپ می‌کرده‌اند.

• نکته جالب دیگر آن که این روزنامه را زنی منتشر می‌کرده است که نسل اول یک خانواده تازه مسلمان بوده و طبعاً در میان جامعه مسلمان آن روز به او به چشم یک مسلمان با ریشه نگاه نمی‌کرده‌اند و همین جرأت او که توانسته است روزنامه‌ای برای زنان آن هم با افکار مترقیانه زمان خود منتشر سازد درخور تحسین و تمجید است. و بی‌آن که قصد مقایسه‌ای در میان باشد باید از شباهت جالبی میان او و یکی از بانوان پیشگام روزنامه‌نگاری فرانسه یاد کرد:

این زن فرانسوی که مادام آن مارگریت دونوایه (Madame Anne-Margarite Dunoyer) نام دارد، در اوایل قرن هیجدهم در سال ۱۷۱۹ درگذشته است. وی پیش از آن که به عنوان روزنامه‌نگار شهرت داشته باشد به‌عنوان زنی ماجراجو شناخته شده است. ماجراجویی او از این‌جا ریشه می‌گیرد که وی از مذهب کاتولیک به مذهب پروتستان گروید و سپس بار دیگر کاتولیک شد، و آن‌گاه دوباره به مذهب پروتستان روی آورد. آنچه او را در این ماجرا نامبردار ساخته است سهولت تغییر مذهب و قرار دادن اصل جدایی‌ست که در نزد کاتولیکها حتی امروز هم مذموم است و به احتیاط با آن روبرو می‌شوند. مادام دونوایه که از ۱۷۱۱ تا ۱۷۱۷ ادامه انتشار روزنامه یک ورقی «جوهر اخلاق» (*La Quintessence des Nouvelles*) را برعهده داشته‌است، درست به‌مانند خانم دکتر کحال که از نظر مردم روزگار و شناسایی اخلاقی آنها از مذهب بانویی ماجراجو و نوآور بوده است.^۱

برکلی، ۱۷ اوت ۱۹۹۴، ۲۶ مرداد ۱۳۷۲

پاورقی:

- ۱ - محیط طباطبایی، سید محمد، «تاریخ مطبوعات ایران» جزوه‌های درسی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران، نیمسال دوم تحصیلی ۳۵-۲۵۳۴. یک نسخه از این جزوه در اختیار نویسنده این تک‌نگاری است.
- ۲ - شماره اول روزنامه با نام صاحب امتیاز و مدیر خانم دکتر کحال منتشر شده است. محمد صدر هاشمی مولف کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران، ذیل شماره ۵۲۲ هنگامی که از روزنامه‌دانش سخن می‌گرمند: صاحب آن را خانم دکتر کحال همسر دکتر حسین خان کحال مدیر روزنامه استقلال ایران معرفی کرده است. آقای محیط طباطبایی این خطای صدر هاشمی را به این طریق اصلاح کرده است: «روزنامه هفتگی دانش که از دهم ماه رمضان ۱۳۲۸ هجری تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ سی شماره روی کاغذ نیم‌ورقی و هر شماره‌ای در ۸ صفحه به مدیری و صاحب امتیازی خانم دکتر کحال

دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی انتشار یافت پیش از آن که سال آن به پایان برسد تعطیل شد. نخستین روزنامه زبان فارسیست که اختصاص به زنان داشته است... خانم دکتر کحال هیچ گونه اتسای با دکتر حسین خان کحال مدیر روزنامه استقلال ایران نداشته و رشته ارتباط ایشان نسبی نبوده بلکه فنی بوده و هر دو چشم پزشکی بوده‌اند (محیط طباطبایی، «جزوه تاریخ مطبوعات ایران» - قسمت نوزدهم - بخش دوم - گفتار دهم، ص: اول: تک: پانویس ۱ همین مقاله).

بر این توضیح روشنگرانه آقای محیط طباطبایی این نکته را باید افزود که خود خانم دکتر کحال در صفحه دوم اولین شماره روزنامه هنگام معرفی خویش می‌نویسد: «این کمینه خانم دکتر، صیغه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدید الاسلام این جریده موسوم به دانش را ... الخ». توضیح خانم دکتر کحال روشن می‌سازد که او فرزند میرزا یعقوب جدیدالاسلام است که به سنت رایج پس از پذیرفتن دین اسلام نام خود را از یعقوب به محمد تغییر داده و لقب حکیم باشی داشته است. ظاهر نام یعقوب و اتسای او به شهر همدان که یک مرکز اقلیت‌نشین کلیمی و مسیحی‌ست و این که اطبای سنتی ایران غیر از مسلمانان غالباً از کلیمیان بوده‌اند این شبهه را پیش می‌آورد که پدر خانم دکتر کحال جدیدالاسلام بوده است. اما خانم قدسی چویک اظهار می‌دارند که اولاً سیمای مادر بزرگ پدری خود را به یاد دارند که زنی بور و زاغ بود، ثانیاً از اقوام آن خانم بعدها خوشاوندانی را در تهران ملاقات کرده‌اند که از ارامنه بوده‌اند. بنابراین به نقل خانم چویک باید دین میرزا یعقوب حکیم باشی را مسیحی دانست، و نام یعقوب هم در نزد ارامنه مورد استفاده قرار می‌گرفته است چنان که نام پدر میرزا ملکم خان نیز میرزا یعقوب بوده است.

خانم چویک همچنین حکایت می‌کنند که در ایام طفولیت اهالی محل ایشان و خواهرشان اقدس را به نام «نوه‌های خانم دکتر» می‌خوانده‌اند. اما قصص بزرگی کار ما در آن جاست که از اسم اصلی این خانم اطلاعی نداریم زیرا چه در خود روزنامه و چه در منابع دیگر همه‌جا از وی به نام خانم دکتر کحال یاد شده است. در مورد زندگی خصوصی او هم اطلاعات ما بسیار ناقص است.

متأسفانه خانم دکتر کحال در زمان خردسالی نوادگان فعلاً در قید حیات خویش درگذشته است و آنان اطلاع بسیار اندکی درباره زندگی او دارند. به روایت خانم چویک، خانم دکتر کحال زن یک روحانی معروف زمان خود بوده است و طبابت را با اجازه او انجام می‌داده. از این که خانم دکتر کحال در کجا درس چشم پزشکی خوانده است کاملاً بی‌اطلاعیم. در عین حال از این که او به اقتضای شیوه پدر و شاید به تشویق او و نیز آموزشهای اولیه در محضر او به این کار پرداخته نباید غافل شد. اما معصرف لغات، انگلیسی و برگردان آنها به خط فارسی در روزنامه می‌تواند این تصور را پدید آورد که بانوی مزبور در نزد میلان مسیحی - احتمالاً آمریکایی - که بعدها هم مدرسه دخترانه آمریکایی همدان را در این شهر تأسیس کردند درس طبابت خوانده و کحالی آموخته است. در شماره ۵، صفحه ۲، روزنامه دانش اعلانی به این شرح دیده می‌شود که حاکی از تغییر محل مطب اوست و جای تردیدی در مورد طبابت خانم دکتر کحال باقی نمی‌گذارد:

«محکمه کحالی این خادمه در خیابان جلیل آباد بود. حالیه کما فی السابق همه روزه قبل از ظهر سوای جمعه در جزو اداره جریده دانش از برای پذیرایی مرضای چشم حاضرم - خانم دکتر کحال.»

از بستگان دیگر خانم دکتر کحال از کسی سراغی نداریم مگر آن که در صفحه ۸ شماره ۲ روزنامه آگهی تسلیتی به امضای مدیره مدرسه احیاء دخترانه خطاب به خانم دکتر کحال در فوت میرزا حسن بن محمد چاپ شده و مدیر نشریه نیز ضمن تذکر این که انتشار روزنامه یک هفته به مناسبت فوت برادرش به تأخیر افتاده از تسلیت زهنده تشکر نموده است. در شماره ۲ عنوان خانم دکتر کحال از «صاحب امتیاز و مدیر» به «صاحبه امتیاز و مدیره» تبدیل شده

است و این عنوان تا پایان نشر روزنامه به همین صورت باقی مانده است.

۳ - «ع. صفوت» که فقط طی دو شماره (۲ و ۳) نام او به عنوان «سردبیر» ذکر شده است. اصطلاح فارسی سردبیر در مقابل Redacteur en chef فرانسه و Chief Editor انگلیسی یکی از قدیمترین ترکیبات فارسی روزنامه‌نگاری است - که توسط روزنامه‌نگاران عصر مشروطه وضع و رایج شده است. به نقل آقای محیط طباطبایی «بعید نیست این «ع. صفوت»، همان «ع. صفوت» تبریزی باشد که با همراهان ستارخان به طهران آمده بود و بعدها از ادبا و معارف معروف آذربایجان محسوب می‌شد.» (نک. پانویس ۱ همین مقاله).

از ع. صفوت در شماره ۲، مقاله‌ای تحت عنوان «تربیت از گهواره تا لحد همراه است» و نیز در همان شماره نامایشنامه‌ای به نام «وداع با سه بازیگر با نامهای احمد، صفرا، زبیده» به صورت یاورقی به سبک نمایشهای مرسوم آن زمان به رشته تحریر درآمده و به نام او به چاپ رسیده که تا نام مانده است. غیر از این دو اثر، دیگر در روزنامه به نام ع. صفوت برخورد نمی‌کنیم و ظاهراً او از شماره چهارم همکاری خود را با روزنامه‌دانش قطع کرده است و نام و منصب او به‌عنوان سردبیر از شماره چهارم از صفحه اول روزنامه حذف شده است.

۴ - شعاری که در شماره اول در یک کادر تزیینی به طول ۳۴ میلیمتر و عرض تقریباً ۲ ستون متعارف آن روز در صفحه اول چاپ شده، در شماره ۲ به این صورت اصلاح گردیده است: «روزنامه‌ایست اخلاقی و ادبی و مسلک مستقیم تربیت نسوان و دوشیزه‌کان (کذا) و تصفیه اخلاق زنان است.»

در شماره سوم، پس از کلمه «تصفیه اخلاق زنان» دوبار کلمه «و غیره و غیره» به شمار اضافه شده است و بالاخره از شماره چهارم به بعد به طور قطع به این صورت درآمده و تا پایان سی شماره انتشار شعار روزنامه این است: «روزنامه‌ایست اخلاقی و بیچه‌داری و خانه‌داری و مسلک مستقیم تربیت نسوان و دوشیزه‌کان (کذا) و تصفیه اخلاق زنان و غیره و غیره است.»

۵ - در شماره اول آمده است: عجالة هفته‌ای یک نمره محتوی هشت صفحه طبع و توزیع می‌شود، ولی شماره دوم به تاریخ ۲۴ رمضان یعنی چهارده روز بعد از شماره اول انتشار یافته است. شماره سوم هم دو هفته بعد از شماره دوم منتشر شده است و به طور کلی روزنامه به زحمت هر دو هفته یک بار منتشر می‌شده است. از شماره ۲۴ به بعد در صفحه اول آمده است که «ماهی دو نمره طبع و نشر خواهد شد». روز انتشار در شماره اول قید نشده است، اما از شماره دوم به بعد روز انتشار در کنار تاریخ انتشار (به تقویم قمری) ذکر گردیده است و نگاهی به روزهای انتشار نشان می‌دهد که روزنامه در روز مابین چاپ و پخش نمی‌شده است. از مجموع سی شماره، بیست شماره روز پنجشنبه، چهار شماره روز جمعه، سه شماره روز شنبه، دو شماره روز چهارشنبه، و یک شماره روز دوشنبه چاپ و توزیع شده است.

۶ - شماره اول روزنامه به تاریخ شمسی در تاریخ پنجشنبه ۲۳ شهریور (سنبله) ۱۲۸۸، و به تاریخ میلادی در روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۰ منتشر گردیده است.

۷ - آخرین شماره روزنامه به تاریخ دوشنبه دوم مرداد (اسد) ۱۲۸۹ شمسی و ۲۴ ژوئیه ۱۹۱۱ میلادی منتشر گردیده است.

در آخرین شماره روزنامه اعلانی که در حقیقت بهانه تعطیل آن است به این صورت آمده است:

«به علت گرما و ضعف مزاجی که سرکار علی‌خانم دکتر مدیر جریده‌دانش داشتند در شمیران رفته‌اند لهذا به عموم مشترکین محترم با کمال احترام عرض می‌شود از غرة ماه شعبان تا غرة شوال که دو ماه باشد طبع جریده را معذرت می‌خواهد. مشترکیتی که تا ماه رمضان آخر سال اول باشد وجه آبرویمان خود را برداخته‌اند یک ماهی که طلبکار می‌شوند از سال آتی محسوب خواهد شد و اشخاصی که بیشتر طلبکارند ان‌شاءالله تلافی خواهد شد و

- اشخاصی که تا به حال این قلیل وجه را نپرداخته‌اند هرگاه در این چند روزه یا به توسط فراش یا مستقیماً به‌دازظهرها به اداره وجه را نپردازند در ماه دیگر که شروع به طبع می‌شود جریده جهت آنها ارسال نخواهد شد».
- ۸ - یک عباسی برابر با ۴ شاهی یا ۲۰ دینار است و پنج شاهی برابر ۲۵ دینار که یک چهارم روال است. از شماره دوم به بعد در روزنامه به جای یک عباسی همان ۴ شاهی نوشت شده است.
- ۹ - از شماره دوم قیمت اشتراک به صورت یک‌ساله، شش ماهه و سه ماهه به ترتیب ۱۲ قران، ۷ قران، ۴ قران برای تهران، و ۱۵ قران، ۹ قران، ۵ قران برای ولایات داخله، و ۷ فرانک و ۴ فرانک برای ممالک خارجه آمده است. از شماره ۲۴ تا شماره ۳۰ حق اشتراک سه ماهه حذف شده و حق اشتراک ممالک خارجه نیز از ۷ فرانک و ۴ فرانک برای یک سال و شش ماه به ۴ فرانک و ۲ فرانک کاهش یافته است.
- ۱۰ - صدر هاشمی قطع روزنامه را وزیری ذکر کرده است. قدر مسلم آن است که این روزنامه در طبقه بندی کتابخانه‌های بین‌المللی بعد از قطع تابلوئید Tabloid که ۳۸×۳۱ سانتیمتر است قرار می‌گیرد.
- ۱۱ - روزنامه به صورت دو ستونی چیده می‌شده است که به آن در اصطلاح قدیم اشپون شش گفته می‌شد و سرتاسر عرض روزنامه ۱۲ اشپون بوده است که با اندازه‌گیری جدید هر دو ستون آن ۲۰ سیرو است (هر ۱۰ سیرو برابر ۴/۵ سانتیمتر است).
- ۱۲ - شماره اول روزنامه در مطبعه شرقی طهران به چاپ رسیده، از آن پس روزنامه در چاپخانه‌های متفاوتی مانند فارس، فارس، تهران و مجلس چاپ شده است که از این میان نشانی مطبعه مجلس خیابان ناصریه ذکر گردیده است.
- ۱۳ - حروف صفحه اول ۱۸ نازک آلمانی و صفحات داخل ۱۶ نازک است. حروفچینی دستیست و غلطهای چاپی به فراوانی در روزنامه به چشم می‌خورد. همچنان که ظاهراً گارسه حروف از جهت اعداد بسیار فقیر بوده و به این سبب گاهی شمارهای صفحات و شماره‌های روزنامه در بالای صفحه با اعداد بسیار نامتناسب و درشت (۲۴ سیاه و حتی ۲۶ سیاه) چاپ شده است.
- ۱۴ - تنها در اولین شماره روزنامه، بهای اعلان در صفحه اول سطری یک قران و در صفحه آخر ده شاهی ذکر شده است. از شماره دوم به بعد قیمت اعلان در همه جای روزنامه سطری یک قران است.
- ۱۵ - از شماره دوم، این اخطار نیز در صفحه اول روزنامه چاپ شده است: «مکانیب وارده به صاحبانش مشرد نمی‌شود».
- ۱۶ - اطلاع نویسنده از وجود نسخه‌های روزنامه در این حدود است. اگر نسخ دیگری یا میکروفیلی از روزنامه در جایی باشد آگاهی از آن موجب امتنان نویسنده و تکمیل این بخش از شناسنامه است.
- ۱۷ - تیراژ این روزنامه مانند همه روزنامه‌های فارسی‌زبان جزو «اسرار حق» است. علی‌الاصول برای یک محقق روزنامه‌نگاری تحقیق در مطبوعات ایران در قسمت تیراژ کاری عبث و یسوده است. روزنامه‌های ایران حتی بزرگترین آنها در دوران گذشته و حال همواره سعی در پنهان داشتن رقم تیراژ خود داشته‌اند، و گاه با ارقام مبالغه‌آمیزی تیراژ خود را بالا نشان داده‌اند که عقل سالم از قبول آن سر باز می‌زند. در حالی که تیراژ یک روزنامه در حقیقت نشانه انبیاال مردم به آن روزنامه است. در اروپا سازمانهای حرفه‌ای کارآزموده‌ای نظارت بر تیراژ را بر عهده دارند. فی‌الثل سازمان O.J.D. در فرانسه به این امر رسیدگی می‌کند و به همین جهت روزنامه‌ها موظف‌اند که تیراژ خود را در هر شماره ذکر کنند. و از این راه آگهیهای تجارتهی را به اعتبار وسعت نشر خود به دست آورند. متأسفانه روزنامه‌های ایران این مسأله را «راز سر به مهر» کار خود می‌دانسته‌اند و از تعداد ذکر تعداد نسخ جایی خود همواره امتناع کرده‌اند و به این جهت بای هر تحقیقی از جهت وسعت میدان گیرندگان پیام و نیز شناخت طبقات اجتماعی این گیرندگان در یک بررسی

تحلیلی از مطبوعات ایران خواهد نگید.

۱۸ - دیوان کامل ایرج میرزا، به اهتمام دکتر محمد جعفر محبوب، از انتشارات شرکت کتاب، کالیفرنیا، ص پنجاه و یکم.

۱۹ - این «خانم حاج میرزا یحیی» را که همسر حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی است نباید با خانم صدیقه دولت‌آبادی، خواهر حاج میرزا یحیی، اشتباه گرفت. صدیقه دولت‌آبادی از پیشگامان نهفت آزادی زنان در ایران بود و نه سال بعد از روزنامه‌دانش، در سال ۱۳۲۷ هجری قمری روزنامه‌زبان زنان را در اصفهان به طور پانزده روز یک بار منتشر کرده است.

۲۰ - دکتر کاظم متمدن‌زاد، روش تحقیق در محتوی مطبوعات، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران

.۲۵۳۶

۲۱ - Susanna Van Dijk, *Terraces des femmes, presence feminine dans le journalisme Français du XVIIIe Siecle*, APA Holland University Press, Amsterdam & Maarssen, 1988, p. 83-125.

